

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجری
۰۷ فبروری ۲۰۲۱

سیاهکل، چراغ راه امروز جوانان

رستاخیز سیاهکل با گذشت نیم قرن از وقوع آن، با تاریخ معاصر مملکت ما به طور ناگسستنی گره خورده است. پنجاه سال پیش در چنین ایامی، دسته ای از چریکهای فدائی خلق با حمله به پاسگاه سیاهکل در اطراف لاهیجان، مبارزه مسلحانه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را آغاز نمودند. این رویداد به رغم شکست در صحنه نبرد، به یک پیروزی ستراتیژیک برای جنبش مسلحانه و چریکهای فدائی خلق بدل شد و نقطه عطفی در مبارزات مردم ما برای رسیدن به آزادی شد. چرا که با سیاهکل یک جنبش انقلابی در ایران به وجود آمد که راهنمای آن یک تئوری انقلابی بود که توسط رفقاء "امیر پرویز پویان" و "مسعود احمدزاده" تدوین شده بود.

در شرایطی که دستگاه عظیم تبلیغاتی شاه پس از سیاهکل، مدعی شکست چریکهای فدائی بود، تداوم مبارزات چریکی در شهرها، همه آن تبلیغات کاذب را به ضد خود بدل ساخت و باعث گردید که راه جدید مبارزه در ایران هر چه وسیعتر به مردم شناسانده شود. رژیم شاه با سرکوب و دیکتاتوری، ایران را برای سرمایه داران داخلی و خارجی، به "جزیره ثبات و امنیت" تبدیل نموده بود و اینطور جلوه می داد که با هیچ مخالفتی روبه رو نیست. اما با رستاخیز سیاهکل، قدرت لایزالی در جامعه ظهور کرد و شاه در مقابله با این قدرت یعنی کمونیست های فدائی، مجبور شد بار ها "مقام امنیتی" اش (پرویز ثابتی) را به صحنه بفرستد تا علیه چریکها سخن بگوید. بر این مبنای کار به جایی رسید که صفحات زیادی از نشریات رژیم در آن مقطع به توضیح در باره مبارزه مسلحانه چریکها علیه رژیم شاه اختصاص داده شد که خود نشانه ترس و وحشت آن دیکتاتور از چریکهای فدائی خلق بود.

اما تئوری رزمندگان سیاهکل چه می گفت؟ در شرایط خفقان بار حاکم که رژیم شاه با هیچ زبانی جز زبان زور با مردم سخن نمی گفت، چریکهای فدائی خلق با تجزیه و تحلیل شرایط ایران به این نتیجه رسیده بودند که برای ایجاد ارتباط با توده ها و به خصوص طبقه کارگر و متشکل کردن آنها، وظیفه هر گروه انقلابی آغاز مبارزه مسلحانه چه در شهر و چه در روستاست. رزمندگان سیاهکل با شروع مبارزه مسلحانه چنان شرایط مبارزاتی در جامعه به وجود آوردند که انرژی انقلابی توده ها که پشت سد دیکتاتوری از حرکت باز مانده بود به تدریج به جریان افتاد و امکان ارتباط با توده ها جهت بسیج و سازماندهی آنها برای نابودی دشمن به وجود آمد. در این مسیر چریکهای فدائی خلق، نقش موتور کوچکی را بازی کردند که موتور بزرگ توده ها را به حرکت در آورد و خیلی زود همه دیدند که نسیم تندى که به قول رفیق پویان وزیدن گرفته بود به طوفانی ویران کننده بدل شد و مردم به خیابانها ریختند و فریاد سر دادند "ایران را

سراسر سیاهکل می کنیم". با چنین شعار هائی بود که بهمن [دلو] ۴۹ به قیام بهمن ۵۷ پیوند یافت و رژیم شاه را برای همیشه به زباله دان تاریخ انداخت.

می دانیم که پنجاه سال از سیاهکل می گذرد اما فراموش نباید بکنیم که گذشته چراغ راه آینده است. اگر به این امر باور داریم حال باید دید که رستاخیز سیاهکل و مبارزات و تئوری های رفقاء "پویان" و "احمدزاده" برای نسل جوان امروز که همچون نسل رزمندگان سیاهکل برای آزادی یعنی رهائی از اسارت بورژوازی وابسته می رزمند چه دستاورد قابل اتکائی در بر دارد. سیاهکل نشان داد که در شرایطی که دیکتاتورها جز با زبان زور با مردم سخن نمی گویند و خشونت دولتی جلو رشد مبارزات مردم را می گیرد، راهی نیست جز اعمال قهر انقلابی. تنها از این راه است که نیروهای جوان انقلابی، هم می توانند خودشان را سازمان دهند و هم با پیگیری راه چریکهای فدائی خلق یعنی با ضربه زدن به رژیم جمهوری اسلامی، رژیم دیکتاتور حاکم را به مصاف طلبیده و از این طریق در سد دیکتاتوری حاکم شکاف ببندازند.

اتفاقاً تجربه ۴۰ سال مبارزات مردم ما برای آزادی و بهروزی و به ویژه تجربه قیام دی [جدی] ۹۶ و آبان [عقرب] ۹۸ نیز بیانگر آن می باشند که تنها با پیگیری راه چریکهای فدائی خلق می توان در جهت تشکیل یک نیروی مسلح مردمی که ضرورت اجتناب ناپذیر جهت نابودی ماشین جهمی سرکوب می باشد، حرکت نمود. دو قیام دلاورانه اخیر توده های دلاور ایران که به خصوص با فداکاری و قهرمانی کارگران و زحمتکشان صورت گرفت به صورت آشکار نشان دادند که مردم، راه اصلی مبارزه را شناخته اند، اما سازمان و رهبری ندارند. نکته این جاست که برای فائق آمدن بر این ضعف، سیاهکل هنوز هم هزاران نکته آموزنده برای جوانان ما در بر دارد. سیاهکل نشان داد که یک گروه کوچک می تواند با بزرگترین ماشین های جنگی به مقابله برخیزد و در جریان مبارزات خود سازمان و رهبری لازم و ضروری برای هدایت مبارزات توده ها را به وجود آورد. بنابراین آنچه از تجربه چریکهای فدائی می توان آموخت این است که در شرایط دیکتاتوری بورژوازی وابسته، تنها یک شکل سیاسی - نظامی می تواند کارائی داشته باشد و این شکل با دست زدن به مبارزه مسلحانه علیه دشمن می تواند بقای رشد یابنده خود را تأمین نماید. به امید این که نسل جوان این واقعیات را دریابند و در جهت تحقق راه چریکهای فدائی خلق، گام بردارند.

دیروز سیاهکل صاعقه ای بر تاریکی حاصل از یک دوره خمود تاریخی بود و با تابش خود به بن بست روشنفکران و نیروهای بالنده جامعه پایان داد و سؤال برای رسیدن به آزادی و بهروزی مردم "چه باید کرد؟" را عملاً پاسخ داد. راه سیاهکل، یا همان راهی که چریکهای فدائی خلق در تئوری مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک تدوین کرده اند، امروز نیز با توجه به سلطه سیستم سرمایه داری وابسته در ایران و دیکتاتوری خشن و افسارگسیخته ناشی از این سیستم در رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی با واقعیات عینی جامعه امروز انطباق دارد. از این رو این راه برای پایان دادن به فقر و مصیبت های توده های دربند ایران قاطع ترین و درست ترین راه می باشد که واقعیات امروز آن را کاملاً تأیید می کنند. بر این اساس، همانطور که خواهران و برادران ما در قیام بهمن [دلو] ۵۷ علیه ظلم و جور رژیم شاه فریاد زدند و نشان دادند، راه پیروزی زمانی هموار می گردد که "ایران" را سراسر "سیاهکل" سازیم. به امید این که نسل جوان این حقیقت را دریابند و در این راه گام بردارند.

بکوشیم با الهام از رزمندگان سیاهکل و شیرزان و کوه مردان فدائی، شعار مردمی توده ها در قیام ۵۷ یعنی "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم" را متحقق سازیم.

۱۲ بهمن [دلو] ۱۳۹۹ برابر با ۳۱ جنوری ۲۰۲۱